



مادر تحریم‌ها از راه رسید، بزرگ‌کنندگان سرشان را زیر برف کردند

شروع جدی مادر تحریم‌ها- یا همان سیاه‌چاله تحریم- از امروز کلید می‌خورد. اما نکته قابل تأمل اینجاست که این موضوع بسیار مهم، در روزنامه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات هیچ جایی ندارد. همان جماعتی که ژست مضحک «دانستن حق مردم است» به قیافه‌شان زار می‌زند.

شروع جدی مادر تحریم‌ها- یا همان سیاه‌چاله تحریم- از امروز کلید می‌خورد. اما نکته قابل تأمل اینجاست که این موضوع بسیار مهم، در روزنامه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات هیچ جایی ندارد. همان جماعتی که ژست مضحک «دانستن حق مردم است» به قیافه‌شان زار می‌زند. در مردادماه سال جاری «طرح مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌ساز ایران 2017» یا همان «کاتسا 2017» با کد S722 در مجلس نمایندگان آمریکا با 419 رأی موافق و 3 رأی مخالف به تصویب رسید. این طرح سپس در سنای آمریکا با 98 رأی موافق و 3 رأی مخالف به تصویب رسید و پس از آن، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، این طرح را امضا و به قانون تبدیل کرد. طرح مذکور به دلیل گستردگی به «مادر تحریم‌ها» و «سیاه‌چاله تحریم» مشهور شد.

در حقیقت این طرح- همانند دیگر طرح‌های ضدایرانی- با هماهنگی کامل کاخ سفید و کنگره و به عبارت دیگر، با هماهنگی کامل دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان تصویب و به قانون تبدیل شد. این مسئله برای چندمین بار ثابت کرد که علیرغم ادعای دو گروه سهل‌اندیش و مأموریت‌دار مبنی بر وجود اختلاف میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در موضوع ایران، جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها در هر مسئله‌ای اختلاف داشته باشند، در دشمنی با جمهوری اسلامی ایران هیچ اختلاف‌نظری با هم ندارند.

در روزهای گذشته و همزمان با صحبت‌های گستاخانه اخیر ترامپ، وزارت خزانه‌داری آمریکا اطلاعیه‌ای صادر کرد که بر اساس آن اجرای قانون کاتسا 2017 آغاز شد. وزارت خزانه‌داری آمریکا با شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ذیل دستور اجرایی 13224 اجرای قانون کاتسا را رسماً آغاز کرد. پس از آن وزارت خزانه‌داری با انتشار توضیحاتی جدید، اعلام کرد که اجرای قانون کاتسا 2017 هنوز کامل نیست و ادامه دارد. این وزارتخانه اعلام کرد براساس قانون کاتسا تا 31 اکتبر (9 آبان) فرصت دارد تا دفاتر، نهادها و افراد وابسته به سپاه را ذیل دستور اجرایی 13224 شناسایی کند.

بر این اساس شروع جدی مادر تحریم‌ها از امروز کلید می‌خورد. یعنی زمانی که وزارت خزانه‌داری تعداد زیادی از افراد و نهادها را به دلیل ارتباط با سپاه پاسداران درون لیست تحریم قرار می‌دهد. سیاه‌چاله تحریم چیست؟

در این طرح انواع محدودیت‌های اقتصادی از بلوکه شدن دارایی‌ها در خاک آمریکا تا ممنوعیت ارائه خدمات بانکی به فرد یا نهاد تحریمی قرار دارد. به طور ویژه این طرح به دلیل قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی، تبعات اقتصادی فراوانی برای ایران در پی می‌آورد. بر همین اساس می‌توان گفت شرایط روابط بانکی نه به قبل برجام بلکه به شرایطی به مراتب بدتر از آن بازمی‌گردد. همانطور که گفته شد ویژگی مهم این طرح قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در لیست سازمان‌های تروریستی است. در این طرح به رئیس‌جمهور آمریکا تکلیف شده است که سپاه را مشمول تحریم‌های دستور اجرایی 13224 قرار دهد. برای این کار 90 روز به رئیس‌جمهور زمان داده شده است. با قرار گرفتن سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی ذیل دستور اجرایی فوق‌الذکر، تمامی ارکان و نهادهای سپاه تروریستی محسوب خواهند شد.

قسمت خطرناک و نگران‌کننده این است که افراد و نهادهایی که دارای ارتباط کاری با سپاه هستند، به موجب دستور اجرایی 13224 باید تحریم شوند و در لیست تحریمی آمریکا که با عنوان SDN List شناخته می‌شود قرار گیرند.

وضعیت وقتی بغرنج‌تر می‌شود که این طرح را در کنار قانون IFCA 2013 قرار دهید. وقتی یک فرد یا نهاد ایرانی در لیست تحریمی SDN قرار می‌گیرد به موجب قانون تحریمی IFCA 2013 مشمول تحریم‌های ثانویه بانکی می‌شود و هیچ موسسه مالی اجازه ارائه خدمات بانکی مستقیم و یا غیرمستقیم به آن فرد یا نهاد تحریمی را ندارد.

با این وضعیت هیچ بانک خارجی با ایرانی‌ها همکاری نخواهد کرد و همین شبکه بسیار شکننده‌ای که بعد از برجام شکل گرفته است، به شدت متزلزل خواهد شد.

سیاه‌چاله چیزی است که تمام «اشیا نزدیک به خود را به درون سیاه‌چاله می‌کشد». این

همین وضعیتی است که می‌توان از نظر تحریمی برای توصیف طرح مذکور بیان کرد. به این دلیل که اگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی قرار بگیرد با توجه به آنکه سپاه یک نهاد رسمی و دارای روابط نظامی و غیردولتی است، سبب می‌شود تا بخش زیادی از حاکمیت اعم از دولت یا سایر قوا و نهادها به درون لیست تحریمی بروند. این اتفاق همانند یک سیاه‌چاله عمل می‌کند و تعداد زیادی از نهادها که قابل پیش‌بینی نیست را تحریمی می‌کند. حتی قابل تصور است که بانک مرکزی که در برجام از تحریم خارج شد دوباره به لیست تحریم بازگردد.

بعد از برجام به دلیل آنکه حدود ۲۰۰ فرد و نهاد ایرانی در لیست تحریمی SDN قرار داشتند، هیچ کدام از بانک‌های بزرگ بین‌المللی حاضر به برقراری روابط بانکی با ایران نشدند چرا که می‌ترسیدند مقررات تحریمی آمریکا را نقض کنند و در نتیجه با تنبیه شدید مالی آمریکا روبه‌رو شوند. فقط بانک‌های کوچک حاضر به پذیرش ریسک همکاری شده و همکاری می‌کردند. اما همین بانک‌های کوچک نیز وسواس زیادی برای رعایت قوانین تحریمی می‌کردند. حالا فرض کنید به یک دفعه چند هزار فرد و نهاد ایرانی وارد این لیست تحریمی شوند. طبیعی است که در آن زمان هیچ بانکی ولو کوچک حاضر به همکاری با ایران نشوند. پس شرایط به قبل از برجام و یا حتی بدتر از آن برمی‌گردد.

واقعیت آن است با تصویب این طرح دیگر چیزی از برجام باقی نخواهد ماند که بخواهیم درباره نقض شدن یا نشدن آن صحبت کنیم.

به نظر می‌رسد آمریکا دو مقصود اصلی را دنبال می‌کند. یک هدف تشدید پدیده خودتحریمی؛ در داخل ایران است. یعنی آمریکا با ایجاد فضای ترسناک پیرامون نهادهای انقلابی همچون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌خواهد ارتباط نهادهای داخلی همچون ارتباطات بانکی با آن را تضعیف کند. دومین هدف آمریکا تقویت اهرم خود برای مذاکرات احتمالی آینده پیرامون مباحث به اصطلاح غیرهسته‌ای است. آژیر خطر یا لالایی خواب؟!

اما نکته قابل تأمل اینجاست که این موضوع بسیار مهم، در روزنامه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات هیچ جایی ندارد. همان جماعتی که ژست مضحک دانستن حق مردم است؛ به قیافه شان زار می‌زند.

این در حالی است که رسانه‌ها، دیدبان امنیت و منافع هر کشورند و هنگامی که پای دشمنی و تهدیدی در میان است، آنها باید زودتر از همه رصد کنند، هشدار بدهند و مقابله کنند.

اما برخی از این دیدبان‌ها وقتی دچار وارونگی ماموریت شوند، به جای زدن آژیر خطر، لالایی خواب می‌خوانند و توجه عوام و خواص را پرت می‌کنند. یا سرشان را زیر برف می‌کنند تا نبینند! یا رویشان را سمت دیگر می‌کنند که مثلاً بگویند حواسشان نیست.

روزنامه‌های زنجیره‌ای در روزهای اخیر با جنجال و هیاهو به بزرگنمایی موضوعاتی همچون کوروش؛ عضویت در شورای شهر یزد؛ و... پرداختند تا به خیال خود، مردم، لگدکوب شدن چندباره توافقی و یا به عبارتی مرگ کامل برجام را نبینند.

نکته قابل توجه اینجاست که در روزهای اخیر، شبکه دولتی انگلیس از شگرد نارنجک دودزای نشریات مدعی اصلاح‌طلبی در انحراف اذهان نسبت به دشمنی‌های آمریکا و غرب استقبال کرد.

برخی از رخدادهای خبرها و جنجال‌ها نقش بمب صوتی و نارنجک دودزا را بازی می‌کنند و هدف نهایی که دشمنان بیرونی و یا دنباله‌های داخلی آنها برای اینگونه رخدادهای جنجال‌ها تعریف کرده‌اند، انحراف افکار عمومی از مسائل اصلی و سرگرم کردن آنان به مسائل حاشیه‌ای است. صبح بدون تحریم!

روزنامه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات که در روزهای اخیر با سانسور مادر تحریم‌ها، به بزرگ چهره کریم شیطان بزرگ می‌پردازد، همان جماعتی است که در سال ۹۴ با تیترهای درشت و عبارات غلوآمیز همچون «تحریم‌ها به تاریخ پیوست»؛ «کلید تدبیر قفل تحریم‌ها را گشود»؛ «فتح و الفتوح دیپلماسی ایران»؛ «غروب تحریم، ساحل توافق»؛ «مهر تدبیر بر پیشانی تحریم»؛ «صبح بدون تحریم»؛ «فروپاشی تحریم»؛ «بدون تحریم رفت»؛ «پیروزی، بدون جنگ»؛ «گل‌طلایی ظریف به ۱+۵»؛ و... به بزرگ برجام پرداخت.

در کنار این وعده و وعیده‌ها، برای تحت فشار قرار دادن نهادهای تصمیم‌گیر و همچنین ایجاد نگرانی در افکار عمومی، هشدارهایی نیز داده می‌شود. برای مثال ادعا می‌شود که هر روز تأخیر در رسیدن به توافق و اجرای آن بیش از ۱۰۰ میلیون دلار ضرر به کشور وارد می‌کند!

روزنامه‌های مدعی اصلاح‌طلبی با بزرگ برجام، هر نوع اما و اگر درباره چفت و بست توافق با آمریکا و تضمین تعهدات طرف مقابل در لغو تحریم‌ها را با شیوه‌های فاشیستی هو می‌کردند و دلایل

کارشناسی و دقیق منتقدان برجام را با فحاشی پاسخ می‌دهند؛ zwnj&دادند.

چندی پیش مدیر مسئول روزنامه زنجیره zwnj&ای شرق اعتراف کرد که برای عبور از سد افکار عمومی، برجام را بزک می‌کردیم!

برای چه معامله کردیم؟

اکنون حدود 21 ماه از اجرای برجام و حدود 27 ماه از امضای این توافق می‌گذرد. ایران به تمامی تعهدات خود پایبند بوده است ولیکن آمریکا از اولین روز اجرا، برجام را به صورت فاحش نقض کرده و تاکنون این عهدشکنی ادامه داشته است.

به دلیل اینکه در برجام اصول بدیهی همچون «توازن تعهدات» و «همزمانی اجرای تعهدات»؛ raquo&، «اخذ تضمین از طرف مقابل»؛ raquo& و «پیش‌بینی برگشت»؛ zwnj&پذیری امتیازات واگذار شده در صورت نقض عهد»؛ raquo& رعایت نشده، امتیازات برجام منحصر برای طرف آمریکایی و خسارت zwnj&ها و محدودیت zwnj&هایش صرفاً به سمت ما سرازیر می‌شود. هیچ مذاکره یا قرارداد و معامله ای، به خودی خود اصالت و ارزش ندارد؛ بلکه اهمیت و اعتبار آن، به اهداف و نتایج است. متأسفانه آقای روحانی و تیم مذاکره zwnj&کننده، از ابتدا به خود مذاکره و توافق به هر قیمت اصالت دادند و بدتر از آنها، برخی محافل سیاسی-رسانه zwnj&ای سهل zwnj&اندیش یا ماموریت zwnj&دار، چنان موج مطالبه و هیجانی برای مذاکره و توافق به هر قیمت به راه انداختند که تبدیل به طرف بدهکار و گروگان تبلیغات خود شدند!

وبسایت رادیو فرانسه - مهر 92- نوشت: «ارزیابی غرب از دولت روحانی، تعامل با فروشنده بدهکار و مشتاقی است که خود را ناگزیر از فروش حقوق ملی می‌بیند. بر پایه این جمع zwnj&بندی اگر خریدار صبور باشد، شرایط فروشنده را دشوارتر می‌کند و در همان حال قیمت فروش را کمتر خواهد کرد!»؛ raquo&.

مذاکره و توافق یک توجیه بیشتر نداشت. چه آنها که غیرت فناوری ملی در عرصه هسته zwnj&ای را داشتند و چه آنها که به این سرمایه بزرگ ملی بهای لازم را نمی‌دادند؛ در یک نکته مشترک بودند و آن اینکه در پس همه امتیاز zwnj&هایی که واگذار می‌شود، باید تحریم zwnj&ها لغو شود. آقای روحانی روز 23 تیر 94 به هنگام اعلام توافق، تصریح کرد «در روز اجرای توافق، همه تحریم zwnj&های اقتصادی و مالی و بانکی و حتی موشکی و تسلیحاتی بالمره (یکجا) برداشته خواهد شد»؛ raquo&. خب! اگر قرار بود این تحریم zwnj&ها یکی در میان برداشته شود به نحوی که مثلاً هیچ سرمایه zwnj&گذار بزرگی نتواند با ایران همکاری کند یا در میانه راه، همان تحریم zwnj&های نصف و نیمه تعلیق شده، در پوشش بزرگتری به نام مادر تحریم zwnj&ها بازگردد، پس برای چه معامله کردیم؟! هدف اصلی آمریکا و غرب از برجام، سلب اراده و اختیار ایران به واسطه انداختن کشورمان در یک کریدور بسته و مهندسی شده است. برجام به قمار با کلاهبرداری شبیه است که به هیچ قاعده zwnj&ای در بازی وفادار نیست. ادامه یا قطع قمار با چنین کلاهبرداری در هر دو حال با زیان همراه است. اما زیان خاتمه دادن به بازی یکطرفه و فاقد کمترین چشم zwnj&انداز برد، به مراتب کمتر از ادامه بازی و افزایش خسارت zwnj&ها و بدتر از همه، به گرو و گروگان رفتن اراده است.

در این میان توهم «ایجاد شکاف میان اروپا و آمریکا به واسطه برجام»؛ raquo& نیز هیچ دردی از این توافق دوا نمی‌کند. ابراز اعتماد بلاوجه برخی دولتمردان و رسانه zwnj&های به ظاهر حامی دولت به اروپا طی هفته zwnj&های اخیر در حالی است که در یک توافق، یکی از چند طرف قرارداد کلاهبرداری کرده است. دیگر طرف zwnj&ها نیز که کنار آن راهزن بوده zwnj&اند، برخلاف تعهد، کمترین اعتراضی به کلاهبردار نمی‌کنند هیچ، بلکه از مالباخته می zwnj&خواهند اگر سلاح و چماقی برای دفاع از خود دارد، در فرآیند مذاکره zwnj&ای جدید، آن را هم واگذار کند!

دولت، مجلس، هیئت نظارت

فارغ از جار و جنجال رسانه zwnj&های مدعی اصلاحات برای دیده نشدن سیاه zwnj&چاله تحریم، اکنون افکار عمومی از دولت انتظار دارد تا برای یکبار هم که شده، اقدام متقابلی در مقابل گستاخی آمریکا انجام دهد.

با توجه به قانون «اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام»؛ raquo& مصوب مجلس، خلأ قانونی برای مقابله با اقدامات خصمانه طرف zwnj&مقابل وجود ندارد. در بند 3 این قانون آمده است: «دولت موظف است هرگونه عدم پایبندی طرف مقابل در زمینه لغو مؤثر تحریم zwnj&ها یا بازگرداندن تحریم zwnj&های لغو شده یا وضع تحریم تحت هر عنوان دیگر را به دقت رصد کند و اقدامات متقابل در جهت احقاق حقوق ملت ایران انجام دهد و همکاری داوطلبانه را متوقف نماید و توسعه سریع برنامه هسته zwnj&ای صلح zwnj&آمیز جمهوری اسلامی ایران را سامان دهد به طوری که ظرف مدت 2 سال ظرفیت غنی zwnj&سازی کشور به 190 هزار سو افزایش یابد.»؛ raquo& این ماده قانونی به وضوح تکلیف دولت در برابر هرگونه نقض برجام را مشخص کرده است اما متأسفانه دولت آقای روحانی تاکنون از اجرای این قانون شانه خالی کرده است. تقریباً اکثریت اعضای هیئت نظارت بر برجام تاکنون حداقل یک بار از نقض روح و جسم برجام و همچنین نقض فاحش برجام توسط طرف zwnj&غربی سخن گفته zwnj&اند اما متأسفانه واکنش هیئت نظارت برجام در اکثر موارد تنها به تذکر لسانی ختم شده است. در حال حاضر بدعهدی zwnj&آمریکایی zwnj&ها و نقض مکرر برجام درحالی رخ می‌دهد که هیئت نظارت بر برجام در این مدت

به واکنش‌های حداقلی (مانند برگزاری جلسات بدون خروجی) و حتی سکوت و متاسفانه در برخی موارد به توجیه عهدشکنی طرف مقابل اقدام کرده است و در نهایت واکنش درخوری در مقابله با نقض مکرر برجام توسط آمریکا انجام نداده است. روندی که در کنار انفعال دولت موجب گستاخی طرف مقابل در ادامه دادن به رویه ناصواب خود شده است. مجلس شورای اسلامی نیز در این میان نقش حائز اهمیتی بر عهده دارد. در حال حاضر وظیفه اصلی مجلس پیگیری اجرای تکالیف مشخص شده در قانون و اقدام متناسب و متقابل در اجرای برجام؛ از سوی دولت است. انفعال دولت، مجلس و هیئت نظارت بر برجام در اقدام متقابل، موجب تشدید و تثبیت ادراک غلط آمریکایی‌ها مبنی بر وابستگی ایران به برجام خواهد شد و در نهایت به افزایش اشتباهات تحریمی دشمن و گسترش دامنه گستاخی‌ها منجر می‌شود.